

اکثر سازمان های اطلاعاتی جهان به ویژه سازمان سیاسی آمریکا، هرگز نتوانستند آنگونه که باید خاورمیانه و به ویژه ایران و روحانیون و انقلاب اسلامی را بشناسند. از همان روزهای نخست انقلاب، جنبش های مختلفی برای صدور انقلاب اسلامی در ایران تشکیل شد، از جمله سازمان انقلابی توده های جمهوری اسلامی ایران (ساتجا) به رهبری محمد منتظری که در هنگامه دولت مهندس بازرگان شاهد بخشی از عملیات این سازمان در جهت صدور انقلاب و دلارهای نفتی ایران به لیبی و لبنان بودیم....

گروه دیگر سازمان جنبش های آزادیبخش جهان اسلام بود که توسط مهدی هاشمی رهبری می شود. هر چند هر دو رئیس این سازمان ها کشته شدند اما بدون شك پیکره محکم این تشکیلات که در نقاط مختلف کشور دفاتری با بودجه های هنگفتی داشتند برجای ماند....

یکی از اصلی ترین سلاح های این سازمان ها در جهت صدور انقلاب اسلامی، افکار دکتر شریعتی بود و به ویژه دو کتاب او که به دهها زبان جهان ترجمه و به طور رایگان در دسترس همه قرار گرفته و می گیرد. کتاب شهادت و کتاب پس از شهادت. این دو کتاب در اصل دو سخنرانی از دکتر شریعتی بود که در همان سال ها بر روی کاغذ پیاده شده و نقش بسیار مهمی در ترویج و تشویق مرگ مقدس و شهادت طلبی شیعی اسلامی داشته است. همان تأثیر و شیوه ای را که از این دو نوشته در سقوط محمدرضا شاه بهره بردند، به سایر کشورها نیز منتقل نمودند. تمامی کسانی که امروز در گوشه و کنار جهان با نام اسلام عملیات انتحاری انجام می دهند، بدون شك این دو کتاب سحرآمیز را خوانده اند. اما واقعاً دکتر علی شریعتی که معلم انقلاب اسلامی ایران لقب گرفت و امروز نیز همچنان رژیم اسلامی در تلاش است تا به گونه ای دیگر او را زنده نموده و نوعی دیگر از اسلام را در ایران تبلیغ کند و همو بزرگترین سرمایه حاکمان ایران برای صدور انقلاب اسلامی بوده و هست، کیست؟

علی شریعتی در سال ۱۳۱۲ در روستای مزینان واقع در حومه سبزوار به دنیا آمده و در نوجوانی با نهضت خدایپرستان سوسیالیست به رهبری محمد نخبش آشنا شده و پس از آن در کانون نشر حقایق دینی پدرش فعال شده و کتاب مکتب واسطه را نوشت که برای نخستین بار اسلامی سیاسی به جای يك باورمیان (کمونیسم و سرمایه داری) در میان باورمندان دینی مطرح شد. در سال ۱۳۳۴ در دانشکده تازه تأسیس ادبیات مشهد دانشجو شد و در همان کلاس درس بود که عاشق خانم بی بی فاطمه شریعت رضوی شد و دو سال و نیم دوید و دوید تا توانست رضایت همکلاسی اش را برای ازدواج به دست بیاورد. آقای علی اکبر شریعت رضوی از تجار مشهور و معتبر مشهد و همسرش خانم آغا حسین اف ۷ فرزند داشتند که هر يك از آنها يك اسم اسلامی داشته و يك اسم ایرانی. این دو نازنین آنقدر مهربان و دوست داشتنی و با وفا بودند که هرگز من به خودم این اجازه را ندادم تا از آنها بپرسم کداميك هوادار نام های ایرانی، و کدامین هوادار نام های عربی برای فرزندانمان بوده اند. مثلاً همسر دکتر شریعتی در شناسنامه بی بی فاطمه بوده است که همه ما ایشان را بنام پوران خانم می شناسیم و علی اصغر فرزند بزرگ خانواده شریعت رضوی که با درجه ستوانی یکی در جنگ ایران و روس (سال ۱۳۲۰) جانباز است، نام ایرانی اش طوفان بوده است و از همه زیباتر آذرشریعت رضوی است.

جوانی که به همراه دو تن از دوستانش در سال ۱۳۳۲ در هنگامه سفر نیکسون به ایران در تظاهرات کشته شد و روز ۱۶ آذر به یاد آن سه نفر روز دانشجو نام گرفت و خیابان ۱۶ آذر در تهران نیز به یاد مهدی شریعت رضوی است که همین مهدی نیز در خانه به نام ایرانی آذر خوانده می شده است. خانواده شریعت رضوی (همسر دکتر شریعتی) بسیار مترقی و مدرن و به دور از خرافات و تفکرات مذهبی بودند، پدر این خانواده آقای علی اکبر انسانی شوخ طبع و بسیار فهمیده بود به گونه ای که حتی وقتی بالای ۶۰ سال عمر داشت مثل يك جوان بیست ساله اهل بگو و بخند و شوخی و شاد بودی بود. همسر ایشان خانم آغا نیز چیزی از شوهرش کم نمی آورد در مهربانی و بزرگ منشی. هنوز که هنوز است من پتوی پلنگی که تقریباً ۱۸ سال

پیش به عنوان سوغات برایم به پاریس آورد را به یادگار نگه داشته ام. به ایشان گفتم چرا چنین هدیه سنگین و بزرگی و ایشان با خنده به من پاسخ داد که هم رنگ پلنگی او را می دانم که دوست داری و هم می دانم که چنین پتوهانی در پاریس پیدا نمی شود....

باری علی شریعتی وقتی عاشق پوران شریعت رضوی می شود، پوران یک ستاره است و خانواده او نیز به خاطر آذر در میان تمامی ایرانیان و روشنفکران مشهور و شناخته شده. پوران در سال ۱۳۳۴ در کنکور شرکت نموده و در رشته ادبیات و زبان فرانسه قبول می شود و یکسالی را در تهران درس می خواند اما به علت دوری از خانواده به مشهد بازگشته و در دانشکده ادبیات ثبت نام می کند و این شانس علی شریعتی است که روزی به بهانه در اختیار گذاشتن چند کتاب تاریخی با پوران جوان که فقط چند ماهی از او جوانتر است، آغاز سخن می کند و خیلی زود خاطرخواه شده و عشق می نمایاند. خاتم پوران که دختری مدرن و بدون چادر و روسری بوده است امکان این وصلت را میسر نمی داند. زیرا که دوستان و فامیل به او توصیه می کنند که تو نمی توانی عروس خانه استاد محمدتقی شریعتی بشوی بدون این که حجاب اسلامی را بپذیری.... خلاصه دو سال و نیم می گذرد تا شخص استاد محمدتقی شریعتی (پدر علی شریعتی) از جریان باخبر می شود و خودش به خانه آقای علی اکبر و خانم آغای شریعت رضوی رفته و می گوید: غلط کرده است هر کس گفته است که شرط ما برای عروس محجبه شدن پوران است. خلاصه علی شریعتی به آرزو و عشق خود می رسد و با خواهر آذر شریعت رضوی، قهرمان دانشجویان آن زمان ایران ازدواج می کند. پس از چندی علی شریعتی از یک بورس دولت شاهنشاهی برای تحصیل در خارج از کشور برخوردار می شود.

علی شریعتی پاریس را انتخاب کرده و همسرش را در حالی که فرزندی در شکم دارد، در ایران گذاشته و برای تحصیل به پاریس می رود. شریعتی در پاریس است که خاتم پوران، زایش فرزندشان در آینده ای نزدیک را به او خبر داده و از علی شریعتی می خواهد تا نامی برای فرزندشان در صورتی که پسر باشد انتخاب کند. اسم هانی که علی شریعتی بر کاغذ می نویسد ولی هرگز به تهران پست نمی شود؛ ستار، محمد، شهاب و قربانعلی است. اما این بچه شانس می آورد و نامه پدرش هرگز پست نمی شود. اما دانی او دکتر رضا شریعت رضوی که پزشکی خیر و انساندوست و مهربان است نام احسان را برای نوزاد انتخاب می کند. پس از چندی پوران خاتم هم به شوهرش در پاریس می پیوندد و او نیز برای دوره دکتری ثبت نام می کند...

علی شریعتی پیش از این که به درس و بحث بپردازد با گروه های سیاسی ضد رژیم پادشاهی همکاری می کند.... و با همه آنچه می نویسد و می گوید، در هنگامه وفات مادرش به ایران می آید و به هیچوجه نیروهای امنیتی ایران مزاحم رفت و آمدش نمی شوند و او پس از مراسم چهلم مادرش با پروازی که بلیت هایش توسط خانم آغای شریعت رضوی خریداری شده است به پاریس برمی گردد.... جالبی قضیه این «معلم انقلاب اسلامی جهانی» در این است که رشته تحصیلی وی تاکنون به درستی بیان نشده است، زیرا خود دکتر علی شریعتی نیز در شرح حال خود که در کتاب گفتگوهای تنهایی با قلم خودش نوشته است، واقفیت را ننوشته است؟

در صفحه ۲ مجموعه آثار شماره ۳۳ دکتر شریعتی درباره خودش می نویسد:  
« در خرداد ۱۳۳۸ از طریق اعزام فارغ التحصیلان رتبه اول دانشکده ها به پاریس رفت و در آنجا تا سال ۱۳۴۳ به اخذ درجه دکتری در تاریخ تمدن و دکتری در جامعه شناسی و طی دوره «مدرسه تتبعات عالییه» وابسته به دانشگاه سوربن در رشته جامعه شناسی مسلمان به ریاست پروفسور برگ نائل آمد و مدتی در مرکز ملی اسناد و اطلاعات فرانسه به عنوان محقق کار می کرد و به گفته خود بیش از این همه، آنچه فرا گرفتم و به ویژه آنچه شدم در خدمت پروفسور لونی ماسینون بود که شرق و غرب را در خود جمع داشت. نسخه منحصر به فرد کتاب فضائل بلخ را در آنجا تصحیح کرد...» در این چند خط، دکتر شریعتی خود را برخوردار از سه رشته تحصیلی و سه دکتری می داند. در صورتی که اولاً ایشان در هیچ یک از سه رشته بیان شده تحصیل نکرده و دوم این که ترجمه کتاب فضائل بلخ تنها رساله ایشان بوده است.

رشته تحصیلی دکتر شریعتی چنانچه در کتابخانه دانشگاه سوربن پاریس موجود است، حاجی لژی یعنی حاجی، شیخ، ملاشناسی و یا به نوعی مقدس شناسی بوده است. یعنی رشته ای که درباره بیوگرافی شخصیت های مذهبی کار می کرده است. دکتر جلال متینی دوست مهربان و فرهیخته که در آن هنگام رئیس دانشگاه مشهد

(فردوسی) بوده است مشخصاً در این باره می گوید: «کتاب فضائل بلخ چند سال پیش از انقلاب اسلامی به تصحیح عبدالحی حبیبی دانشمند افغانی در ایران چاپ شد... این کتاب يك متن سنگین فلسفی یا ادبی نیست که ترجمه آن کار هر کسی نباشد بلکه متن بسیار ساده ای است در شرح احوال بزرگان شهر بلخ که مؤلف درباره هر يك از آنان حداکثر چند صفحه ای نوشته است از فقیه و محدث و... ژیلبرلا زار استاد راهنمای شریعتی در تألیف و تدوین این رساله دکتري بوده است. ... ما در مشهد، در دوره لیسانس رشته های مختلف سال ها بود که ترجمه را از عربی یا فرانسه و انگلیسی به زبان فارسی به عنوان رساله دوره لیسانس نمی پذیرفتیم چون متوجه شده بودیم که بعضی از دانشجویان رند، ۵۰ تومانی به طلاب مدارس قدیمی مشهد می دادند و حضرات برایشان ترجمه می کردند. دکتر جلال متینی ادامه می دهد که: رساله دکترای دانشگاهی دکتري شریعتی ترجمه خلاصه يك فصل از نسخه خطی کتاب فارسی فضائل بلخ به زبان فرانسه بود. ... با توجه به مدارك تحصیلی او، موجب تعجب ما شد، نامه ای محرمانه از دانشگاه ادبیات مشهد به دانشگاه پاریس نوشته شد، درباره سوابق تحصیلی شریعتی... جوابی که از دانشگاه پاریس آمد... به خط اعضای ژوری دفاع رساله دکترای شریعتی، خلاصه آن این بود که این رساله قابل قبول نیست (در حالی که دانشگاه پاریس تا آن زمان رسالات بی سر و ته بسیاری را برای درجه دکترای دانشگاهی پذیرفته بود) ولی چون نویسنده رساله با بورس دولت ایران مشغول تحصیل بود و امکان تمدید بورس نیز برایش وجود نداشت، رساله را پذیرفتیم آن هم با پائین ترین درجه یعنی **Passable** قابل قبول... دکترای دانشگاهی دکتري شریعتی در تاریخ **History** هم نبود، بلکه دانشگاه پاریس او را دکتري در رشته **Hagiology** (حاجی شناسی) شناخته بود که چیزی می شود معادل شرح حال قدیسین (بیوگرافی). ولی اداره ارزشیابی مدارك تحصیل خارجی وزارت آموزش و پرورش بر طبق چه ضابطه ای این کلمه را به مطلق تاریخ ترجمه و دکتري شریعتی را دارای درجه دکترای دانشگاهی در رشته تاریخ معرفی کرده بود، خدا داناست.»

پاسخ پایانی دکتري جلال متین را با استناد به نامه ای از دکتري شریعتی می توان داد. از قرار معلوم آن ضابطه ای که دکتري جلال متینی از آن بی خبر است، پارتی بازی است. یعنی براساس نامه ای که از نظرتان خواهد گذشت متوجه می شویم که دکتري شریعتی ماه ها در تهران در حال رفت و آمد بوده است تا این تاریخ را به جای حاجی لژی در ترجمه مدارك تحصیلی خود جا بدهد. «خدمت... سلام عرض می کنم. امروز نامه شما را پس از رسیدن دکترای پوران زیارت کردیم و خوشحالیم دوچندان شد. بحمدالله یکی از بزرگترین غم های ما به لطف خدا و نیت شما و کوشش کاظم آقا و توصیه دکتري فلاطوری و... برطرف شد که يك دنیا خدا را سپاس می گذاریم. کرامتی هم شد و آن این که پس از نامه آقا علیمحمدآقا که نوشته بودند بازپس از تصویب، اصل تصویب نامه گم شده و از پرونده مفقود شده. پوران يك گوسفندی نذر کرده و کشت و در همان ضمن که گوشتش را داشتیم برای خانواده های فقیر قسمت می کردیم، دکتري رسید و پس از ناامیدی ناگهان غرق امید شدیم که باز هم از خدا ممنونیم!»

البته در پی پژوهش هانی که بعداً به آن خواهیم پرداخت، دکترای خانم پوران شریعت رضوی به علت خواهر آذر شریعت رضوی بودن، گیر کرده بود. اما دکترای علی شریعتی، چنانچه دکتري جلال متین شرح داد به خاطر عدم پذیرش آن براساس مقررات دانشگاهی در مشهد بود. شایان یادآوری است، در صورتی که دکتري علی شریعتی رساله اش با پائین ترین درجه **Passable** (قابل قبول) پذیرفته شده بود، رساله همسر او سرکار خانم دکتري پوران شریعت رضوی با بالاترین درجه **Tres Honorable** (افتخارآمیز) توسط دانشگاه سوربن و در رشته تاریخ و ادبیات پذیرفته شده بود. پیش از این که دکتري شریعتی موفق شود تا با مداخله افراد بسیاری، مدرك پاریس خود را در ایران به تصویب برساند، در مدارس مشهد و حومه به عنوان معلم انشاء و دیکته فارسی فعالیت می کرده است...

سیاوش اوستا

درفش کاویانی



[http://derafsh-kaviyani.com/parsi /](http://derafsh-kaviyani.com/parsi/)

derafsh-kaviyani.com

